

نسبت میان لال بازی و شناخت هویت

دربارهٔ الی... / اصغر فرهادی / ۱۳۸۷ / یادداشت دوم

زمان انتشار: نگارش: دی ماه ۱۳۸۷ / چاپ: تیرماه ۱۳۸۸ چاپ شده در: روزنامه اعتماد

این یادداشت با عنوان فرعی «درباره فصلی از درباره الی...» برای معرفی فضا و حال و هوای فیلم با توصیف یک سکانس کلیدی و محوری آن برای خواننده و به هدف چاپ در شماره ویژه ماهنامه فیلم برای بیست و هفتمین جشنواره فیلم فجر نوشته شده بود. اما به دلیل این که مدیران سینمایی تا روز ۱۹ بهمن ماه آن سال، نمایش این فیلم در جشنواره را بابت حضور گلشیفته فراهانی در آن متفی اعلام کرده بودند، کل بخش مربوط به معرفی آن از ویژه نامه جشنواره ماهنامه فیلم حذف شد و این یادداشت، بعدها همزمان با اکران فیلم در روزنامه اعتماد به چاپ رسید.

*

*

کار با جمع پرتعدادی از شخصیت‌ها در فضایی محدود، همواره این خطر فرعی ولی مهم را دارد که اهمیت فردیت آدم‌ها کاهش پیدا کند؛ برخی بی‌هویت یا در مسیر درام، بی‌کاربرد به نظر برسند و برخی اصلاً قابلیت طرح پیدا نکنند. اما اصغر فرهادی در جایگاه فیلمنامه‌نویس، به شکل‌هایی و اصغر فرهادی به عنوان کارگردان، با توجهاتی کوشیده‌اند هویت، فردیت و اهمیت همه شخصیت‌های جماعت حاضر در ویلای ساحلی فیلم درباره الی را حفظ کنند و بدون روش‌های سنتی همچون تخصیص واحدهای روایی جداگانه به تک تک آدم‌ها، در دل همان روایت جمعی طوری به هرکس پردازند و ترسیم‌اش کنند که در نیمه دوم فیلم، هر کدام از ما بیننده‌ها می‌توانیم بگوییم هر کدام از شخصیت‌ها در چه موقعیتی چه رفتاری ممکن است بکند و چه ممکن است بگوید و چه انتظاری از کدام نمی‌رود و ... یعنی تمام حدسیاتی که عموماً فقط درباره شخصیت اصلی یک فیلم بر اساس شناخت‌مان از او می‌توانیم مطرح کنیم، این جا درباره یکایک آدم‌ها و حتی بچه‌ها قابل طرح است.

زمینه این شناخت را عناصر مختلفی در چیدمان فیلمنامه و اجرای کارگردان و فیلمبردار و بازیگرانش فراهم می‌کند. یکی از این عناصر کلیدی، فصلی از نیمه نخست فیلم است که همه دوستان خانوادگی جمع شده در ویلا را یکجا و در حال بازی پانتومیم نشان می‌دهد. الی (ترانه علیدوستی) مادر معمولاً غایب یک شخصیت مشهور کارتونی را به عنوان سؤال پانتومیم‌اش بازی می‌کند، منوچهر (احمد مهران‌فر) با کلاه کابویی نام یک وسترن سر جو لئونه را سؤال بازی‌اش قرار می‌دهد، آرش (متین فتوره‌چی) که بچه پیمان (پیمان معادی) و شهره (مریلا زارعی) است تحت تأثیر پانتومیم الی، پدر را به عنوان سؤال انتخاب می‌کند، خود پیمان با عبارتی در اشاره به همسرش و دوستانش، هم‌کلاسی‌های دانشکده را می‌ستاید و پانتومیم نازی (رعنا آزادی‌ور) خوابی را تعریف می‌کند که در آن چیزی را از دست داده است.

اینها هر کدام می‌توانند بامزه یا بی‌مزه باشند و حتی کل صحنه می‌تواند فقط کارکردی واقع‌نمایانه برای دستیابی به بیشترین میزان نزدیکی به زندگی جمعی جوان در ویلایی در شمال را پیدا کند (خصلت واقع‌نمایی که به خودی خود در این سینما کمیاب است، برای درباره‌ی الی یکی از کوچک‌ترین دستاوردها به حساب می‌آید). اما در نیمه دوم و بعد از بروز وقایع پیش‌بینی‌ناپذیر و - مهم‌تر - واکنش‌های بسیار طبیعی ولی غریب یکایک آدم‌ها نسبت به این وقایع، رگه‌های بسیار محو و خفیف و ظریفی از کاربرد هویت‌شناسانه و درام‌پردازانه تک تک آن لال‌بازی‌ها روشن می‌شود: بازی الی به رابطه عاطفی فرزند و مادر، بازی منوچهر به سه‌خصلت ازلی/ابدی رفتارهای انسانی، بازی آرش به مرکزیت تأثیر یک نفر بر جمع، بازی پیمان به اساسی بودن دغدغه قضاوت در بخش بعد از روی دادن آن وقایع و بازی نازی به حس همگانی ترس از مرگ اشاره می‌کند. (ربط اینها به وقایع را طبعاً با تماشای فیلم به دست می‌آوریم). آدم‌ها هم دارند خودشان را می‌شناسانند و هم نسبت خود و حتی بقیه را با الی تعریف می‌کنند. حتی نبودن سپیده (گلشیفته فراهانی)

در بین اجراکنندگان این فصل هم به بلا تکلیفی ذهن و حس و برداشت این آدم نسبت به الی، ربط پیدامی کند؛ با این که خود او الی را به جمع دعوت کرده است.

اهمیت فصل پانتومیم را قاعدتاً در نوبت دوم تماشای درباره الی بیشتر می یابیم. چون آن تصاویر هم عجیب و هم بسیار قابل انتظار هر شخصیت را در نیمه دوم، یک بار دیده ایم و حالا به خط و ربط میان بازی و اشاره هر کس در صحنه پانتومیم با تصویر واقعی خودش و جمع در نیمه دوم، پی می بریم. در تماشای اول، توصیه ام این است که بر فصل دیگری متمرکز شوید که باز محورش یک بازی است و دلیل اهمیت اش را به سود این فیلم محبوبم این جا لو نمی دهم: فصل بادبادک بازی الی که تقریباً درست میانه فیلم می آید و تغییر کامل فضای سرخوش بخش اول به جدل ها و بهت های بخش دوم، با پرداخت مرموز این فصل هم عینی و ساده و هم هراس آور و نامعمول، امکان پذیر می شود.